



Received: 06/09/2024

Accepted: 05/11/2024

Challenges and Opportunities in Iran's Foreign Policy Towards Afghanistan (Case Study: Taliban Regime)

Shaban Mahgul

Ph.D., Student, Department of Political Science, Lamard Branch, Islamic Azad University, Lamard, Iran

Ghafar Zarei¹

Assistant Professor, Department of Political Science, Lamard Branch, Islamic Azad University, Lamard, Iran

Amin Ravanbod

Assistant Professor, Department of Political Science, Lamard Branch, Islamic Azad University, Lamard, Iran

Abstract

The foreign policy of the Islamic Republic of Iran and its relations with Afghanistan, Iran's neighbor, are important both geopolitically and in terms of politics, also economics, and culture. Based on this, Afghanistan is a country that should be considered in Iran's foreign policy. Therefore, this study aims to examine the challenges and opportunities in Iran's foreign policy towards Afghanistan, especially considering the recent occurrences in this country. This article is a descriptive-analytical study. The research method and materials are qualitative, and also note-taking was used to gather information. The results show that among the challenges of Iran's foreign policy towards Afghanistan, we can mention insecurity and instability resulting from the Taliban's dominance, which causes events such as the increasing wave of Afghan migration, the presence of terrorist groups like ISIS, the need to manage relations with other regional leaders, and ethnic and religious issues. At the same time, there are opportunities such as the possibility of economic and commercial cooperation, playing a positive role in reducing tensions and peace processes, border management, expanding political influence, and strengthening regional cooperation. Therefore, to take advantage of these opportunities and address the challenges, Iran needs a comprehensive and balanced strategy in its foreign policy. In this regard, emphasis should be placed on important challenges such as the uncertain future of how the Taliban will deal with Afghan Shias and the tension over the Hari Rud River, as well as opportunities such as the Islamic Republic's cooperation with China and Russia in Afghanistan and economic relations with this country. Overall, it can be said that the history of relations between the Islamic Republic and Afghanistan can influence the foreign policies of both countries, considering the Taliban's regime in this country.

Key words: Challenges, opportunities, Taliban rule, Iran's foreign policy.

1. Corresponding Author: abooeiyeh1402@proton.me



چالش‌ها و فرصت‌های سیاست خارجی ایران در قبال افغانستان (مطالعه موردی: حکومت طالبان)

شعبان ماهگل

دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

غفار زارعی^۱

استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

امین روان‌بد

استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران

چکیده

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و روابط با افغانستان به‌عنوان همسایه ایران، چه از لحاظ ژئوپلیتیکی و چه از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، دارای اهمیت است و بر این اساس افغانستان کشوری است که باید در سیاست خارجی ایران مورد توجه قرار گیرد. لذا هدف از این مطالعه بررسی چالش‌ها و فرصت‌های سیاست خارجی ایران در قبال افغانستان به‌ویژه با توجه به تحولات اخیر در این کشور است. این مقاله از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد. روش تحقیق و مواد داده‌ها کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد از جمله چالش‌های سیاست خارجی ایران در قبال کشور افغانستان می‌توان به ناامنی و بی‌ثباتی ناشی از تسلط طالبان، افزایش موج مهاجرت افغان‌ها، وجود گروه‌های تروریستی مانند داعش، لزوم مدیریت روابط با سایر بازیگران منطقه‌ای و مسائل قومی و مذهبی اشاره کرد. در عین حال، فرصت‌هایی نظیر امکان همکاری‌های اقتصادی و تجاری، نقش‌آفرینی مثبت در کاهش تنش‌ها و فرآیندهای صلح، مدیریت مرزها، گسترش نفوذ سیاسی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای در این مسیر وجود دارد؛ بنابراین برای بهره‌برداری از این فرصت‌ها و پاسخگویی به چالش‌ها، ایران نیازمند راهبردی جامع و متوازن در سیاست خارجی خود است. در این بین بایستی بر چالش‌های مهمی از جمله آینده‌ی مبهم چگونگی برخورد طالبان با شیعیان افغانستان و تنش بر سر هریرود و همچنین فرصت‌هایی مانند همکاری جمهوری اسلامی با چین و روسیه در افغانستان و روابط اقتصادی با این کشور تأکید شود. در مجموع می‌توان گفت پیشینه روابط جمهوری اسلامی با افغانستان می‌تواند در سیاست خارجی دو کشور با توجه به حاکمیت طالبان در این کشور در روابط دو کشور و سیاست خارجی آن‌ها تأثیرگذار باشد.

کلمات کلیدی: چالش‌ها، فرصت‌ها، حکومت طالبان، سیاست خارجی ایران.



مقدمه

تهران پس از قدرت گرفتن طالبان، روابط خود را با آن‌ها به عنوان حاکمیت جدید افغانستان بازتعریف کرده است. چه اینکه در سال ۱۹۹۸، پس از قتل تعدادی از دیپلمات‌های ایرانی توسط طالبان، ایران و افغانستان تقریباً وارد جنگ شدند؛ اما پس از ۱۱ سپتامبر و شورش طالبان علیه ناتو/آمریکا، با اشغال افغانستان، تنش‌های ایران و افغانستان رو به کاهش نهاد، زیرا تهران از چالش‌هایی که طالبان برای حضور نظامی ایالات متحده در آنجا ایجاد کرده بود استقبال می‌کرد. با این حال، تنها در سال ۲۰۱۵ بود که روابط تهران و طالبان توجه بین‌المللی را به خود جلب کرد. از آن زمان به بعد، ایران به تدریج تماس‌های خود را با طالبان برقرار کرد و آن را به عنوان تلاشی برای آشتی دادن منافع رقیب در یک کشور همسایه توجیه کرد. بازگشت حاکمیت طالبان بر افغانستان در سال ۲۰۲۱ پس از خروج آمریکا، پیامدهای مهمی برای منطقه و سیاست بین‌المللی به‌طور گسترده‌تر خواهد داشت. برای جمهوری اسلامی ایران، شکست واشنگتن در افغانستان چیزی بیش از پیروزی طالبان است. تهران در پیام‌های خود سعی کرده این ایده را برای شرکا و متحدان خود تقویت کند که تنها بازیگر قابل اعتماد در خاورمیانه در تقابل با واشنگتن است. با این حال، این دستاوردهای ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک فوری می‌تواند تحت‌الشعاع چالش‌های بالقوه‌ای قرار گیرد که افغانستان تحت حاکمیت طالبان ممکن است برای امنیت و منافع منطقه‌ای ایران در درازمدت ایجاد کند. مقامات ایرانی خروج ایالات متحده را در واقع تسلیم شدن به طالبان، یک گروه شبه‌نظامی نسبتاً کوچک و ایدئولوژیک می‌دانند - پیروزی که آن‌ها احساس می‌کنند سرمایه‌گذاری آن‌ها در «محور مقاومت» و شبکه منطقه‌ای گروه‌های شبه‌نظامی آن را توجیه می‌کند. این احتمالاً استراتژی منطقه‌ای «واقع‌گرایانه تهاجمی» ایران را جسورتر می‌کند و به دلیل منطق حاصل جمع صفر، به‌طور بالقوه تنش‌ها را تشدید می‌کند.

پیروزی طالبان در برابر ایالات متحده همچنین می‌تواند به عنوان یک فرصت در دست تهران برای تضعیف فشار واشنگتن باشد. ایران یکی از معدود کشورهای بی‌طرف بوده است که سفارت آن هنوز در کابل باز است. براین اساس به نظر می‌رسد که به دلیل تقابل دولت رئیس‌جمهوری با غرب و آمریکا و تمایل به چین و روسیه، تمرکز جمهوری اسلامی بر فرصت‌سازی در افغانستان است چراکه چین و روسیه نیز به دنبال منافع خود در افغانستان هستند و جمهوری اسلامی درصدد ایجاد نوعی اتحاد با این دو کشور در افغانستان است تا هم منافع استراتژیک خود را در منطقه و افغانستان پیگیری کند و هم مسئله پرونده هسته‌ای و غرب و آمریکا را بی‌اهمیت جلوه دهد. در حال حاضر [برای ایران] رابطه با چین و روسیه مهم‌تر از مذاکرات هسته‌ای است. غرب و به‌ویژه آمریکا از شکست در افغانستان شوکه شده‌اند و این بهترین فرصت برای هر سه طرف (ایران، روسیه و چین) است تا از آن استفاده کنند. همچنین فراتر از دستاوردهای بالقوه ژئوپلیتیک، تسلط طالبان همچنین ممکن است فرصت‌های اقتصادی برای ایران ایجاد کند و البته مسئله هیدروپولیتیک و آب‌های مرزی‌ای که از افغانستان وارد ایران می‌شود مورد مذاکره قرار گیرد (آقاجری و کریمی، ۱۳۹۴). علیرغم فرصت‌های واقعی و بالقوه ایران در افغانستان، تحکیم حاکمیت طالبان نیز می‌تواند چالش‌های جدی برای ایران به همراه داشته باشد. اول از همه، رویکرد طالبان به شیعیان محلی تأثیر بسزایی در روابط تهران و کابل خواهد داشت. در طول حاکمیت خود در دهه ۱۹۹۰، طالبان، از جمله، به دلیل ایدئولوژی قوی ضد شیعی خود که در آزار و اذیت، شکنجه و کشتار اقلیت شیعه هزاره منعکس شده بود، شناخته شده بودند.

در حال حاضر، ایران به‌طور علنی هنوز هم افسانه طالبان اصلاح شده را حفظ می‌کند که به حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی احترام می‌گذارد. در واقع، از زمان تسلط طالبان بر حاکمیت افغانستان، طالبان تلاش کرده‌اند تا تهران را در مورد این موضوع اطمینان دهند، از جمله با اجازه دادن به شیعیان برای برگزاری مراسم عزاداری عاشورا در افغانستان. با این حال، مشخص نیست که آیا طالبان پس از تحکیم حکومت خود به این کار ادامه خواهند داد یا خیر. اگر در آینده شیعیان افغانستان به دست طالبان کشته شوند، این امر ممکن است به تنش‌های دوجانبه یا حتی درگیری منجر شود. چنین سناریویی ایران را بین صخره و سختی قرار می‌دهد: اگر تصمیم به مداخله نظامی در افغانستان بگیرد، ممکن است در همان باتلاقی گرفتار شود که پیش از آن ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی را فراگرفته بود. با این حال، بیکار نشستن درحالی‌که طالبان شیعیان افغانستان را سرکوب می‌کنند، اعتبار ایران را به عنوان محافظ فرقه شیعه تضعیف می‌کند (نوریان، ۱۳۹۴). هدف از این مقاله بررسی چالش‌ها و فرصت‌های سیاست خارجی ایران در قبال افغانستان در حکومت طالبان، بررسی نقش جمهوری اسلامی ایران در فرآیند جنگ و صلح در افغانستان، بررسی پیشینه روابط جمهوری اسلامی با افغانستان در سیاست خارجی دو کشور با توجه به حاکمیت طالبان در آینده است. براین اساس سؤال اصلی این مقاله این‌گونه مطرح شده است که چالش‌ها و فرصت‌های سیاست خارجی ایران در قبال افغانستان در حکومت طالبان چیست؟

پیشینه تحقیق

داودی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه خود با عنوان «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات افغانستان؛ مورد مطالعه: ظهور مجدد طالبان» به این نتیجه رسیده است که مواضع ایران با توجه به رویکرد طالبان متفاوت خواهد بود. اگر طالبان به سمت توزیع قدرت حرکت کند و اقوام دیگر به‌ویژه شیعیان و مردم ترک‌زبان را در ساختار حکومت مشارکت دهد، با توجه به این‌که ایران از نظر ایدئولوژیک، با شیعیان و هزاره‌های افغانستان اشتراکات زیادی دارد و همه این مسائل به نفع ایران است، می‌تواند هدف طالبان با آنچه مورد علاقه جمهوری اسلامی ایران است هماهنگ شود؛ اما اگر رویکرد طالبان براساس انحصار قدرت باشد، با توجه به این‌که ایدئولوژی این گروه با ایران متفاوت است و به عربستان سعودی نزدیک‌تر هستند، به نظر می‌رسد که روابط ایران و طالبان دوستانه نخواهد بود؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران برای تحکیم موقعیت خود، در عین حال که آرمان‌های انقلابی را دنبال می‌کند رویکرد واقع‌بینانه‌ایی در خصوص طالبان اتخاذ می‌کند تا به افزایش ضریب امنیت و بقای جمهوری اسلامی ایران بینجامد.

کریمی فرد (۱۴۰۰) در مطالعه خود با عنوان «تبیین سیاست خارجی ایران در قبال طالبان (۱۹۹۶-۲۰۲۱)» سیاست خارجی کارآمد ایران در افغانستان در گرو تدوین سیاست خارجی پراگماتیستی با ویژگی‌هایی همچون خودداری از تقابل گرایبی بی‌فایده، ترجیح منافع عینی بر منافع ذهنی و انعطاف‌پذیری تاکتیکی در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی است.

مرتضوی (۱۳۹۸) در مطالعه خود با عنوان «واکاوی سیاست خارجی ایران در برابر افغانستان» مطرح نموده است سیاست خارجی ایران در تمام دوران‌ها در افغانستان نقشی سازنده داشته است و ایران توانسته نقش مهمی در پیشبرد اهداف و منافع مشترک دو کشور ایفا کند. همواره یکی از اصول سیاست خارجی ایران نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری بوده است لذا ایران با داشتن سیاست خارجی توسعه محور با نگرش ژئوپلیتیک زمینه بازگشت آوارگان افغان به سرزمین خویش، کاهش تولید و



قاچاق مواد مخدر و کاهش شرارت‌های مرزی و ثبات و امنیت مرزی، مخالفت حضور نظامیان آمریکایی در منطقه و مرزهای ایران و افغانستان، تعامل مفید و سودمندی با حکومت کشور افغانستان داشته است.

فاطمی نژاد و محمدزاده (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی جایگاه افغانستان جدید در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از آسیای مرکزی تا آسیای جنوبی» بر این اعتقادند که هدف این نوشتار بررسی جایگاه افغانستان در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای است. با تغییر روابط دوقطبی جنگ سرد، مناطق و جایگاه کشورها در آن‌ها نقش مهمی در تحلیل‌های امنیتی پیدا کردند؛ اما پژوهشگران مختلف درباره جایگاه کشورها در مناطق امنیتی دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

محمدجواد حق شناس و عمران یوسفی (۱۳۸۹) در مقاله «فرصت‌ها و چالش‌های ملت‌سازی در افغانستان برای ایران» بر این اعتقادند که سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان ایران باید در مورد تحولات آتی افغانستان دست کم دو سناریوی محتمل زیر را در دستور کار قرار دهند.

آقاجری و کریمی (۱۳۹۴) در مطالعه خود با عنوان «نقش بازیگران منطقه‌ای در فرایند دولت‌سازی افغانستان در دوران طالبان و پسا طالبان» به بررسی و تجزیه و تحلیل نقش بازیگران منطقه‌ای و شبه منطقه‌ای سه کشور پاکستان، هند و ایران و تأثیرگذاری آنان در فرایند دولت‌سازی افغانستان در دوران طالبان و بعد از سقوط وی پرداختند. در این مطالعه آمده است که ایران و پاکستان که قبلاً خود بازیگران اصلی بحران افغانستان بودند اکنون جایگاه شبه پیرامونی پیدا کرده‌اند به طوری که نقش پاکستان تحت الشعاع نقش آمریکا قرار گرفته و ایران نیز اگرچه از بعضی پتانسیل‌ها برای تأثیرگذاری در افغانستان برخوردار است اما آمریکا به طور جدی مانع از به کارگیری این قابلیت‌هاست.

در میان مطالعات خارجی حسن زیدی و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه خود با عنوان «تعامل عملی ایران با طالبان پس از خروج آمریکا: چالش‌ها و عوامل تعیین‌کننده» مطرح نمودند گزارش‌های تاریخی نشان‌دهنده دیدگاه کاملاً متفاوتی از تعاملات ایران و افغانستان است. در این مطالعه، فرقه‌گرایی، پناهندگان افغان و قاچاق مواد مخدر به عنوان چالش‌های این تعاملات به شمار می‌رود. علاوه بر این، چالش‌های بین ایران و طالبان عوامل مشوق داخلی افغانستان را هدایت می‌کند و عوامل خارجی نیز مانند هر کشور دیگری نقش کلیدی در اقدامات سیاست خارجی ایران ایفا می‌کنند که عبارت‌اند از: انگیزه‌های اقتصادی از طریق تجارت دوجانبه، مشارکت ایران در طرح‌های اتصال منطقه‌ای نیز به شدت به روابط بهتر آن با طالبان به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک قابل توجه افغانستان بستگی دارد.

برنر و والین در پژوهش خود (۲۰۲۱) با جمع‌آوری نظرات اندیشمندان مختلف بر این اعتقادند که خروج نیروهای خارجی به معنی پایان دادن به درگیری‌های افغانستان نیست. مذاکرات بین افغانه هنوز در جریان است، درگیری بین نیروهای امنیتی افغان و طالبان ادامه دارد و غیرنظامیان افغان با عصبانیت در انتظار سرنوشت کشور خود هستند. دولت بایدن با درک اینکه حضور نظامی ایالات متحده راه حلی برای دستیابی به صلح پایدار در افغانستان نیست، تصمیم گرفته است که با اجرای مهلت خروج بدون شرط، از استراتژی قبلی شکسته شود.

طریق و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله خود در مورد مشارکت ایالات متحده در افغانستان با اشاره به خروج آن‌ها در یک دوره معین چهارده ماهه بحث می‌کنند. توافقنامه‌ای بین ایالات متحده و طالبان در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ در دوحه (قطر) و به دنبال آن مذاکرات بین‌افغانی صورت گرفته است. مسائل بن‌بست بین دولت افغانستان و طالبان و همه‌گیری COVID-19 برخی از



موانع بر سر راه صلح است. نظریه معامله یک چارچوب نظری برای مقاله ارائه می‌دهد. دویینز و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود بر این اعتقادند که برنامه‌ی دونالد ترامپ برای خروج از امریکا می‌تواند عواقب وحشتناکی را برای این کشور داشته باشد. پژوهشگران این پروژه، عواقب خروج امریکا را در بررسی می‌کنند که مهم‌ترین آن تغییر بدون پشتوانه در استراتژی ایالات متحده که موجب عدم داشتن برنامه‌ای منسجم می‌شود و تعهدات امریکا برای مبارزه با تروریسم در افغانستان زیر سؤال می‌رود.

مبانی نظری

سیاست خارجی یک حوزه چند وجهی است که تعامل پیچیده بین منافع ملی، روابط بین‌المللی و چالش‌های جهانی را منعکس می‌کند. به موازات تعامل کشورها در جهانی که به‌طور فزاینده‌ای به هم مرتبط است، چالش‌ها و فرصت‌هایی ایجاد می‌شود که استراتژی‌های سیاست خارجی کشورها را شکل می‌دهد (حسین^۱، ۲۰۲۳). مرور ادبیات نظری سیاست خارجی میان کشورها و یافته‌های تحقیقاتی سیاست خارجی، برخی چالش‌ها و فرصت‌ها را در حوزه سیاست خارجی دو کشور مورد تأکید قرار می‌دهد:

چالش‌ها در سیاست خارجی

چالش‌های اقتصادی

یکی از چالش‌های مهم در سیاست خارجی، ترویج و بهبود محیط کسب‌وکار برای زنجیره‌های ارزش جهانی (GVCs)^۲ است. بوکاس و زیاکاس^۳ (۲۰۱۳) در مورد اثرات سو بحران اقتصادی جهانی بحث می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه رکود اقتصادی می‌تواند مانع سرمایه‌گذاری و تغییر نامطلوب الگوهای تجاری روابط میان کشورها شود. علاوه بر این، دارلی^۴ (۲۰۱۲) به چالش‌های سیاست عمومی درباره مسیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در کشورها بحث می‌کند و بر نیاز به مداخلات استراتژیک برای افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چشم‌انداز رقابتی جهانی تأکید می‌نماید.

چالش‌های سیاسی و نهادی

در حوزه حاکمیت کشورها، چالش‌ها در روابط سیاسی و نهادی با توجه به مکانیزم‌های بررسی سیاست خارجی همواره مورد توجه قرار داشته است (انیس و مومانی^۵، ۲۰۱۳). این امر پیچیدگی‌های موجود در ساختارهای حاکمیت چندسطحی و نیاز به ارتباط و همکاری مؤثر میان نهادهای سیاسی مختلف را برجسته می‌سازد. علاوه بر این، هرنز - سوراللز^۶ (۲۰۱۴) به چالش‌های پیش روی حکومت‌ها به‌ویژه در زمینه نفوذ ژئوپولیتیک از طریق نهادهای منطقه‌ای اشاره می‌کند. این یافته‌ها پیچیدگی‌های سیاسی تدوین و اجرای سیاست خارجی را مورد تأکید قرار می‌دهند.

1 Hussain

2 Global value chains

3 Boukas & Ziakas

4 Darley

5 Ennis & Momani

6 Herranz-Surrallés



چالش‌های ژئوپلیتیکی

چشم‌انداز ژئوپلیتیک نیز مجموعه چالش‌های خود را دارد. لوئیس^۱ (۲۰۱۸) موانع بر سر راه پروژه اوراسیای بزرگ‌تر^۲ را مطرح می‌کند و بر تغییر پویایی ژئوپلیتیکی که بر سیاست خارجی روسیه تأثیر می‌گذارد، تأکید می‌کند. همچنین، کودوره^۳ (۲۰۱۲) چالش‌های موجود در روابط اقتصادی چین و روسیه را مورد بحث قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که پیچیدگی‌های روابط دو جانبه می‌تواند مانع تلاش‌های توسعه جمعی در خاور دور شود. این چالش‌های ژئوپلیتیکی مستلزم درک دقیق پویایی منطقه‌ای و پیامدهای آن برای استراتژی‌های سیاست خارجی کشورها است.

در مورد موضوع این مطالعه، افغانستان صرف‌نظر از دولت یا ساختار حکومتی آن، کشوری مهم برای ایران است که در وهله اول، به دلیل نزدیکی افغانستان با جمهوری اسلامی می‌باشد (حاجی یوسفی، ۲۰۱۲). علاوه بر این، پس از انقلاب اسلامی، ایران اقدامات احتیاطی بیشتری در همسایگی خود به‌ویژه با کشور افغانستان انجام داده است (کائورا^۴، ۲۰۲۰). اهمیت افغانستان برای ایران را می‌توان تعامل با طالبان و پشتیبانی مالی و لجستیکی به دنبال حضور آمریکا دانست (مرجانی^۵، ۲۰۲۰).

از طرفی امنیت مرزی یکی از چالش‌های عمده در روابط میان ایران و افغانستان است. ایران حدود ۹۳۸ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان در شرق خود دارد (دورانی^۶، ۲۰۲۲). این چالش در دوران پیشین حکومت طالبان، برای ایران دردسرساز شده بود. پیش از تصرف کابل در اوت ۲۰۲۱، هنگامی که طالبان موفق به تأمین امنیت مرزهای اصلی افغانستان با ایران، یعنی گذرگاه مرزی «اسلام قلعه» در شمال غربی استان هرات، شدند، به نیروهای ایرانی حمله کردند و این امر منجر به استقرار سپاه پاسداران در این منطقه شد (الجزیره، ۲۰۲۱). اندکی پس از آنکه گذرگاه مرزی «اسلام قلعه» به دست طالبان افتاد، نیروهای امنیتی افغانستان و مقامات گمرک مستقر در این گذرگاه مرزی از مرزها عبور کرده و به ایران رسیدند. یک چالش ژئوپلیتیکی دیگر عبور از مرز زرنج است که شاهد هجوم هزاران پناهنده افغان به ایران بوده است (امان^۷، ۲۰۲۱)؛ بنابراین امنیت مرزی یک عامل تهدیدکننده بالقوه برای گسترش روابط میان افغانستان و ایران می‌باشد (ایتلبریف^۸، ۲۰۲۲).

چالش‌های حوزه سلامت و محیط‌زیست

پاندمی کرونا چالش‌های مدیریتی مهمی را در مناطق مختلف به وجود آورد. در این رابطه امول و همکاران^۹ (۲۰۲۱) بر واکنش‌های متنوع سیاسی در جنوب شرق آسیا تأکید کرده‌اند. چنین چالش‌هایی بر اهمیت همکاری چندجانبه در دیپلماسی سلامت که به‌طور فزاینده‌ای در زمینه بحران‌های سلامت جهانی اهمیت یافته است، تأکید دارند. علاوه بر این، مک^{۱۰} و همکاران

1 Lewis

2 Greater Eurasia

3 Kuhrt

4 Kaura

5 Marjani

6 Durrani

7 Aman

8 Intelbrief

9 Amul et al

10 Mace



(۲۰۲۱) بحث می‌کنند شکاف‌های حکومتی که مانع اجرای کاهش انتشار گاز دی‌اکسید کربن در مقیاس بزرگ می‌شوند، فصل مشترک اهداف آب و هوایی و واکنش‌های سیاست خارجی را در پرداختن به چالش‌های زیست‌محیطی جهانی آشکار می‌سازند. از طرفی به گفته دفتر مواد مخدر و جرائم سازمان ملل متحد^۱، بخش قابل‌توجهی از تریاک تولیدشده در افغانستان به ایران وارد می‌شود و این مسئله تهدیدات جدی برای امنیت داخلی ایران در برابر مواد مخدر ایجاد می‌کند و جامعه ایران را به‌طور گسترده تحت تأثیر قرار داده است (عامری^۲، ۲۰۲۰). در طول حکومت پیشین طالبان، منبع اصلی تولید منابع مالی طالبان به‌شدت وابسته به قاچاق مواد مخدر بود. باوجود این‌که در مورد استفاده از آن به دلیل ممنوع بودن در شریعت تردید داشتند، اما به‌منظور مقابله با مشکلات اقتصادی، این راه را برای درآمد مالی انتخاب کردند (براون^۳، ۲۰۲۱)؛ بنابراین، با در نظر داشتن حجم عظیم مواد مخدر که به ایران سرازیر می‌شود، در میان مسئولان ایرانی نگرانی فزاینده‌ای وجود دارد که دولت طالبان مواد مخدر را به عنوان منبع ثروت انتخاب کند؛ لذا علی‌رغم اقدامات سخت‌گیرانه علیه برداشت غیرقانونی و قاچاق مواد مخدر توسط طالبان، این مسئله هنوز هم به عنوان یک عامل بی‌اعتمادی بالقوه در میان طالبان و ایران عمل می‌کند (چاکسی^۴، ۲۰۲۱).

فرصت‌ها در سیاست خارجی

فرصت‌های اقتصادی

علی‌رغم چالش‌ها، فرصت‌های قابل‌توجهی برای افزایش اثربخشی سیاست خارجی وجود دارد. به‌عنوان مثال، از دیدگاه دارلی (۲۰۱۲) ترویج FDI در کشورها یک فرصت استراتژیک برای رشد و توسعه اقتصادی ارائه می‌دهد. با اتخاذ سیاست‌های عمومی نوآورانه که سرمایه‌گذاری را جذب می‌کنند، کشورها می‌توانند از منابع خود برای تقویت انعطاف‌پذیری اقتصادی استفاده کنند. در خصوص فرصت‌های اقتصادی دو کشور ایران و افغانستان، لازم به ذکر است به دلیل تحریم‌های ایالات متحده، افغانستان نقش مهمی در اقتصاد ایران دارد، چراکه بازارهای افغانستان به عنوان یک گزینه مناسب برای صادرات ایران در نظر گرفته می‌شوند. پیش از طالبان، صادرات ایران به افغانستان به ارزش ۳/۵ میلیارد دلار بود. باوجود شرایط کنونی، ایران همچنان نزدیک‌ترین شریک تجاری افغانستان است که بخش عمده‌ای از نفت ایران را خریداری می‌کند. همچنین توافقنامه‌ای که در سال ۲۰۱۹ بین ایران و افغانستان امضا شد منجر به افزایش ۲۰ درصدی صادرات ایران به افغانستان شد و در سال ۲۰۲۰ تجارت بین افغانستان و ایران به ارزش ۱،۲۶۴،۰۰۰،۰۰۰ دلار شامل نفت، منسوجات و مصالح ساختمانی، نشان از رونق تجاری فیمابین دو کشور داشت. شایان‌ذکر است که تجارت ایران و افغانستان به شکلی قابل‌توجه بیش از تجارت افغانستان با دیگر کشورهای منطقه مانند چین و پاکستان ارزش دارد (راسانا^۵، ۲۰۲۰).

1 United Nations Office on Drugs and Crime

2 Ameri

3 Brown

4 Choksy

5 Rasanah



فرصت‌های ژئوپلیتیکی

افغانستان از نظر جغرافیایی یک کشور محصور در خشکی است که این کشور را به شدت به ایران و پاکستان برای تجارت خود و سایر فعالیت‌های اقتصادی وابسته کرده است (ایگناتیف، ۲۰۱۵). بندر چابهار نه تنها یک موهبت برای ایران است، بلکه به عنوان مسیری کمکی برای افغانستان محصور در خشکی عمل می‌کند. موانع موجود بر سر راه تجارت بین افغانستان و پاکستان، بندر چابهار را گزینه‌ای بسیار مناسب برای افزایش وابستگی به ایران می‌سازد (سانی، ۲۰۱۹). از طرفی اگر چین به دنبال افزایش سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و بیشتر در افغانستان با هدف یکپارچه‌سازی بازارهای آسیای مرکزی باشد، ایران به عنوان یک ذی‌نفع تلقی خواهد شد زیرا ایران به مرکز منطقه‌ای چنین اقدامات اقتصادی تبدیل خواهد شد (خواججه‌پور، ۲۰۲۱). این عامل بار دیگر اهمیت افغانستان در اقتصاد ایران را روشن می‌سازد.

دیپلماسی دیجیتال

آدسینا^۳ (۲۰۱۶) پتانسیل دیپلماسی دیجیتال را به عنوان یک نیروی متحول‌کننده در سیاست خارجی مورد تأکید قرار می‌دهد. سازگاری با رسانه‌های دیجیتال راه‌های جدیدی را برای تعامل و ارتباط به کشورها ارائه می‌دهد، در نتیجه روابط دیپلماتیک و تلاش‌های گسترده را افزایش می‌دهد. تغییر به سمت پلتفرم‌های دیجیتال، نشان‌دهنده فرصتی برای ملت‌ها برای مدرن کردن استراتژی‌های سیاست خارجی خود در راستای پیشرفت‌های فن‌آوری است.

مشخصه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی این کشور را برگرفته از ایدئولوژی اسلام و شیعه نشان می‌دهد. در عین حال اهداف سیاست خارجی ایران «حفظ تمامیت ارضی ایران»، «دفاع از حقوق همگان» و «نفی قدرت‌های سلطه‌گر» (ایران از طریق گفتمان‌های سیاسی-مذهبی خود همواره آمریکا را به عنوان یک قدرت نوامپریالیستی معرفی کرده است) است (فیضی، ۲۰۱۸). همچنین هویت نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به سیاست خارجی ایران ایفا می‌کند. پس از انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر هویت «فارسی»، هویت «اسلامی» نیز مورد تأکید قرار گرفته است (فیضی، ۲۰۱۸).

اهداف سیاست خارجی ایران حفظ موجودیت حاکمیت (از طریق تمامیت ارضی)، تعالی اقتصادی، تنزل قدرت‌های سلطه‌گر خارجی و ترویج دولت اسلامی است (فیضی، ۲۰۱۸) تا آنجا که به افغانستان مربوط می‌شود، هدف اصلی سیاست خارجی ایران «نفی سلطه قدرت‌های خارجی» است، اهداف دیگر به عنوان «ترویج سیاسی حاکمیت اسلامی» و گفتمان «برادری / برابری» نسبت به کشورهای دیگر است (کائورا، ۲۰۲۰).

چارچوب‌های نظری که روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ایران با افغانستان را توصیف می‌کنند، رویکرد «واقع‌گرایانه» و رویکرد «سازندگی» هستند. لازم به ذکر است، ایران پس از انقلاب به بازیگر منطقی عرصه سیاست بین‌الملل تبدیل شده است و با توجه به هزینه و منافع تعامل در عرصه سیاسی بین‌المللی، به شیوه‌ای حساب‌شده رفتار می‌کند (اکبرزاده، ۲۰۱۴). لذا

1 Sawhney
2 Khajehpour
3 Adesina
4 Feizi



تصمیمات ایران در خصوص سیاست خارجی با افغانستان براساس «دستاوردهای استراتژیک» حاکمیت است (اکبرزاده و همکاران^۱، ۲۰۲۱).

روش‌شناسی تحقیق

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

بحث و یافته‌ها

بررسی و تحلیل موقعیت کشور افغانستان و حکومت طالبان

کشور افغانستان از نگاه جغرافیای در مرکز آسیا حیثیت چهارراه را در بین مناطق بزرگ این قاره دارد. در جریان تاریخ درازمدت خود به گونه مکرر مورد هجوم قرار گرفته و حرص و آز جهان‌گشایان را تحریک کرده است (غبار، ۱۳۹۹: ۱۳۱). افغانستان در میان چهار منطقه پرجمعیت جهان و سرشار از منابع معدنی در دنیا در میانه، آسیای جنوبی، آسیای مرکزی و شمالی، شرق میانه و شرق دور قرار دارد. درحالی‌که افغانستان بخش‌های کوچک هر یک از این مناطق را احترام می‌نماید و علائق مشترک فرهنگی، نژادی و تجارتي با آن‌ها دارد، ولی به صورت مشخص مربوط هیچ‌یک از این‌ها نیست. حال آنکه نمی‌تواند از هیچ‌کدام از آن‌ها جدا هم باشد، در نتیجه از اینکه افغانستان در محدوده هر یک از این مناطق عظیم قرار دارد. این مملکت میان آن‌ها من حیث پل وصل‌کننده واقع گردیده است (بی‌نا، ۱۳۸۷: ۱۰).

افغانستان به عنوان کشوری که در موقعیت حساس جغرافیایی - وصل‌کننده آسیای مرکزی به جنوب آسیا - واقع شده همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی برای رسیدن به اهدافشان در این نقطه از جهان بوده است. افغانستان از قدیم تا امروز از دیدگاه ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک اهمیت خاصی در منطقه دارد و بسیاری حوادث و وقایع تاریخی در همین کشور رخ داده است. از قدیم تا سال ۱۸۰۰ میلادی به عنوان دروازه‌های هند همواره از شمال و غرب مورد تهاجم قرار گرفت؛ زیرا مناسب‌ترین راه رسیدن به سرزمین هندوستان محسوب می‌شد. فرمانروایان زیادی بر افغانستان یورش بردند تا از این طریق به هند برسند، آخرین امپراتوری که می‌خواست از این طریق به هند حمله کند و انگلیس‌ها را از هند طرد نماید ناپلیون بناپارت فرانسوی بود که پلان وی از طرف شاه زمان پادشاه وقت افغانستان خنثی شد (غیاثی، ۱۳۸۳: ۱۲). موقعیت استراتژیک افغانستان به مثابه حلقه وصل حوزه آسیای مرکزی و جنوب آسیا زمینه‌ای را فراهم ساخته تا این کشور بتواند در راستای موفقیت پروژه‌های بزرگ اقتصادی منطقه و... نقش فوق‌العاده مهم داشته باشد (رحیمی، ۱۳۹۳: ۵۱۶).

هرچند موقعیت افغانستان یک موقعیت بری محسوب می‌گردد، اما موقعیت جغرافیایی آن با توجه به همسایگی با کشورهای مهم و پس از کشف نفت و گاز در حوزه‌های آسیای مرکزی و خلیج فارس موقعیت مهم استراتژیک به این کشور در نزدیکی و برقراری ارتباط با مناطق مذکور بخشیده است. همچنین همین موقعیت استراتژیک باعث مبدل شدن افغانستان



به یک منطقه حایل در دوره رقابت دو امپراتوری روسیه تزاری و بریتانیا در قرن ۱۹ و جنگ سرد در قرن ۲۰ گردیده بود. این موقعیت خاص جغرافیایی در قرن حاضر نیز باعث توجه جدی غرب و بخصوص ایالات متحده در حضور مستقیم و درازمدت برای پیگیری منافع ژئواستراتژیک غرب در منطقه گردیده است (رحیمی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). افغانستان به دلیل موقعیت استراتژیک خود به عنوان پل ارتباطی بری میان شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی و خلیج فارس از اهمیت ژئوپولتیک و اقتصادی بسزایی برخوردار است. نظر بعضی از اعضای جامعه‌ی بین‌المللی این است که بیشتر مشکلات امنیتی و ثبات جهان از شرق میانه و منطقه‌ی که افغانستان را احاطه کرده است سرچشمه می‌گیرد. بناً امنیت و ثبات افغانستان نه تنها برای مردم افغانستان بلکه برای تمام جهان اهمیت حیاتی دارد. برخلاف چین و فدراسیون روسیه دیگر کشورها عمده دسترسی عملی به ذخایر بزرگ انرژی آسیای میانه و منطقه‌ی بحیره کاسپین نداشته و در تلاش این هستند تا از این منابع درچوکات روابط اقتصاد بازار مستفید گردند. افغانستان می‌تواند یکی از گزینه‌ها برای احداث زیربنای انتقال منابع انرژی باشد (بی‌نا، ۱۳۸۷: ۱).

وضعیت مردم در افغانستان

بررسی‌ها نشان می‌دهند که مردم افغانستان در مقایسه با دولت قبلی از وضعیت جدید رضایت نسبی بیشتری دارند. در حال حاضر بزرگ‌ترین مشکل مردم اقتصاد و وضعیت معیشت است. تا قبل از روی کار آمدن طالبان بعضاً در یک روز سه تا چهار مرتبه انفجار در کابل رخ می‌داد. فساد اداری تقریباً از بین رفته است و گذشت زمان نشان خواهد داد که آیا طالبان می‌تواند ضمن حفظ وضع موجود مانع ایجاد فساد طبقاتی شود یا خیر. طالبان هنوز نتوانسته از ظرفیت نیروها و طرفداران خود برای حل مشکلات استفاده کند. مردم بیشتر نظاره‌گر هستند و دخالتی در امور کشور ندارند. فضا برای عموم مردم مبهم هست، هرچند طیف سنتی و روستایی افغانستان که بالای ۷۵ درصد جامعه‌ی افغانستان را تشکیل می‌دهند، به تغییر ایجادشده خوش‌بین و امیدوارند (آقاجری و کریمی، ۱۳۹۴). سیستم سیاسی طالبان که پس از تسلط آن‌ها در اوت ۲۰۲۱ ایجاد شد، بازتابی از تعامل پیچیده پویایی قومی، ایدئولوژی مذهبی و چالش‌های حکومتی است. این رژیم جدید که امارت اسلامی افغانستان نامیده می‌شود، با ساختار پشتون‌محور مشخص می‌شود که در آن وابستگی‌های قومی به‌طور قابل‌توجهی بر قدرت سیاسی و تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند (ایسچنکو، ۲۰۲۲). حکومت طالبان عمدتاً تحت تأثیر انجمن‌های قبیله‌ای پشتون است که سیاست داخلی و خارجی این کشور را شکل می‌دهد (ایسچنکو، ۲۰۲۲). عدم شمولیت در دولت منجر به چالش‌های مربوط به مشروعیت داخلی شده است و مانع شناخت بین‌المللی شده است (لالتین، ۲۰۲۴). سیستم قضایی طالبان که در جریان شورش قبلی آن‌ها توسعه‌یافته بود، علیرغم انتقادهایی که در مورد ماهیت اجباری آن وجود داشت، به عنوان ابزاری برای حکومت و کنترل اجتماعی عمل می‌کند (گیستوزی و باکزکو^۲، ۲۰۱۴؛ باچکو^۳، ۲۰۲۳). درحالی‌که مدل حکومتی طالبان ریشه در چارچوب‌های قومی و مذهبی دارد، اثربخشی آن به

1 Ishchenko

2 Giustozzi & Baczo

3 Baczo

دلیل تضادهای داخلی و حذف گروه‌های اقلیت که ممکن است جنبش‌های مخالف را تقویت کند، به چالش کشیده شده است.

قدرت‌یابی دوباره طالبان در افغانستان منجر به ارائه دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه‌های سیاسی و امنیتی شده است. برخی از اندیشمندان ظهور دوباره طالبان را تهدید و برخی دیگر آن را فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. بررسی ریشه‌ای تحولات افغانستان و آشنایی با ویژگی‌های ایدئولوژیک طالبان می‌تواند فرصتی برای جمهوری اسلامی ایران باشد تا بیشترین استفاده و بهره را از روی کار آمدن یک حرکت ایدئولوژیک اسلامی در همسایگی خود ببرد (نوریان، ۱۳۹۴). پس از انقلاب اسلامی ایران، همواره مسئله افغانستان به دلایل مختلفی مانند ویژگی‌های ژئوپلیتیک، اشتراکات فرهنگی-تمدنی و حضور انبوه مهاجران افغانستانی در ایران یکی از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی ایران بوده است. تحولات اخیر افغانستان که منجر به سقوط حکومت اشرف غنی و شکل‌گیری مجدد امارت اسلامی شد؛ توجه تمامی کارشناسان و تحلیلگران را به مسئله افغانستان دوچندان کرد. در این دوران به دلایل مختلفی چون پیچیدگی مسئله و وجود ذی‌نفعان مختلف، انعکاسات رسانه‌ها با جهت‌گیری‌های سیاسی همراه بوده است. به همین دلیل رسانه‌ها نتوانسته‌اند تصویری واقعی و منصفانه از حقایق موجود در افغانستان نشان دهند. از همین رو گروه سیاست خارجی برهان بر آن شد تا حضوری میدانی در افغانستان داشته باشد تا اولاً بتواند شناختی واقعی و به‌دوراز فضاسازی رسانه‌ها نسبت به مسائل امروز افغانستان پیدا کند و ثانیاً بتواند نسبت به تعریف چند پروژه مشخص عملیاتی امکان‌سنجی انجام دهد. در این سفر در راستای شناخت واقعی نسبت به نظام مسائل افغانستان، محورهای نسبت مردم افغانستان با طالبان و امارت اسلامی، بررسی میزان تغییر طالبان نسبت به حکومت پیشین ایشان، میزان اسلامی بودن یا قومی بودن حرکت طالبان و بررسی دقیق‌تر جریان طالبان از منظر سیاسی موردبررسی قرار گرفته‌اند (فرزانه پور و یوسف زهی، ۱۳۹۶).

تحلیل سیاسی امارت اسلامی در افغانستان

در این بخش به بررسی و تحلیل وضع سیاسی موجود از منظرهای مختلف پرداخته می‌شود:

- **اختلافات داخلی در امارت اسلامی:** بعضاً گفته می‌شود کشورهایمانند ایران و روسیه نتوانسته‌اند طالب سیاسی (دورانی‌ها) را از طالب مجاهد (حقانی) جدا کنند. طالب مجاهد در صحنه می‌جنگد اما طالب دورانی اهل مذاکره است. به نظر می‌رسد چندان نمی‌توان بر روی این اختلافات حساب کرد. وجود اختلافات در ابتدای رسیدن به قدرت طبیعی است؛ اما این اختلافات در حدی نیست که به درگیری داخلی درون طالبان منجر شود.
- **رفتار و موضع دیگر اقوام:** در افغانستان، هویت قومی اولین عامل هویتی است. امارت از همان ابتدا در ذهن مردمان نماینده قوم پشتون محسوب می‌شد و حتی در دوره اول حکومت بعضی از سنت‌های پشتون‌ها به عنوان قوانین اجرا شد. این سابقه امارت موجب ابهام‌ها و ترس‌های بسیاری در اقوام مختلف نسبت به حرکت طالبان شده بود. طالبان در این دور از حکومت سعی در مدیریت این ابهام‌ها و ترس‌ها دارد. در حال حاضر اقوام مختلف راهبردهایی را در پیش روی خود قرار داده‌اند. اقوام غیر پشتون علی‌رغم آنکه دل‌خوشی از پیشینه امارت نداشتند عمدتاً کناره‌گیری از مسئله را اتخاذ کردند. لذا اکنون دیگر اقوام غیر از پشتون تشکیلات جدی و پذیرش مردمی ندارند و همه بدون سازمان‌دهی هستند.

- **طالبان و انتخابات:** مسئله‌ی مهم دیگر مسئله‌ی مشروعیت طالبان است. این مسئله از مناظر مختلفی موردسنجش قرار می‌گیرد. یکی از مناظر این است که نظر واقعی مردم مهم است یا صندوق رأی؟ در این مورد باید بیان داشت که نظر مردم تابع عوامل بسیاری است. آنچه در حال حاضر نیاز است مواردی چون عدم احساس اختناق، امکان زندگی، دین‌داری، ابزار فرهنگ، رشد و ... برای مردم است و در یک کلمه «نظر واقعی مردم» فارغ از این که چگونه کشف شود. نظر مردم از میان همه اقتضائات تعیین می‌شود و رفع مظلومیت از آنان لزوماً به گذاشتن صندوق رأی جلوی‌شان نیست (فاطمی نژاد و محمدزاده، ۱۳۹۷).

چگونگی تعامل کشورهای همسایه با طالبان

مسئله‌ی مهم برای همسایگان و اقوام درون افغانستان مسئله‌ی نحوه‌ی تعامل با طالبان است. به نظر می‌رسد اصل قابلیت تعامل چندان قابل‌تردید نیست اما چگونگی این تعامل است که مورد بحث است. چگونگی این تعامل از منظرهای گوناگون بررسی می‌شود. به نظر می‌رسد نمی‌توان با زبان سهم خواهی و باج‌گیری از پشتون‌ها، جامعه و حاکمیت را متعادل و متحد کرد و شاید راه معقول ورود از منظر «اسلامی بودن» و ایدئولوژیک بودن امارت باشد. البته این امر کار ساده‌ای نیست چراکه بیشتر از اینکه ادبیات دینی خریدار داشته باشد ادبیات کارآمدی و اثرگذاری مهم است. همچنین افغان‌ها از سمتی روحیه ضد خارجی دارند و باید این نگاه را در هر ارتباطی لحاظ کرد و از سمت دیگر نیازمند میانجی‌گری خیرخواهانه در میان اقوام و دیگر کمک‌های واقعی از این قبیل هستند. بعضی از این کمک‌ها را کشور دیگری غیر از ایران نمی‌تواند ارائه دهد. چراکه پاکستان به شدت درگیر مسائل سیاسی و امنیتی طالبان است و چین و دیگر ابرقدرت‌ها نیز تنها به معامله راهبردی با کشورها روی آورده‌اند. درنهایت نیز باید بیان کرد که افغانستان نیاز به اتحاد، همدلی و رقابت‌های سالم دارد. گرفتن دولت و نظام سیاسی با کودتا و حرکت نظامی، نباید تبدیل به رویه شود. باید تلاش کرد همین نظام حتی‌الامکان اصلاح شود و راه نقل و انتقالات ذیل پرچم اسلام باز شود (عظیمی، ۱۳۹۱).

پیشنهادهایی برای شروع تعامل با افغانستان

آنچه در مورد حکومت فعلی افغانستان به نظر می‌رسد این است که همکاری و تعامل در سطح افراد بالادستی به ثمر نمی‌نشیند. لذا جوانان باید شروع‌کننده‌ی این حرکت باشند و نمونه‌هایی را نشان دهند. جوانان ایرانی باید بایان، پیشنهاد اولیه را ارائه کنند و سپس به کمک اندیشکده‌ها به تصمیم‌سازی بپردازند. به تدریج جوانان افغانستانی نیز باید این فضا را بومی‌تر کنند و برای مسائل حاکمیت افغانستان پیشنهاد داشته باشند. جمهوری اسلامی ایران باید از مزیت‌های نسبی خود در مسیر کمک به افغانستان بهره‌برد. همچنین باید به اداره اسلامی در افغانستان کمک کند تا حکومت افغانستان صرفاً تحت نفوذ اداره مدرن چین و روسیه قرار نگیرد. مزیت همسایگی برای ایران نیز، هم می‌تواند برای اثبات برادری و کمک به برادران افغان مفید باشد و هم به نفع دو طرف از طریق همکاری‌های اقتصادی تمام شود. همچنین باید با نفوذ و کنترل امریکا مقابله کرد. راهبرد اخراج امریکا از منطقه ارزش همکاری با طالبان را دارد. چراکه ایران سال‌ها به دنبال شکست امریکا در افغانستان و عراق بود و اکنون این اتفاق افتاده است. اصلی‌ترین اگر نه تنها گروهی هم که درگیر این



فرایند بوده طالبان بوده است. جنگجویان طالبان به‌طور شگفت‌آوری، نمایان وحشت و هرج‌ومرج افغانستان، بر پایتخت این کشور مسلط شد و در آستانه تشکیل دولت هستند. شکست آمریکا و پیروزی طالبان آشکار است اما روشن نیست که این تحول برای ایران یک تهدید است یا یک فرصت (فاطمی نژاد و محمدزاده، ۱۳۹۷).

بررسی فرصت‌ها و تهدیدات سیاست خارجی ایران در قبال حکومت طالبان

تهدیدات حکومت طالبان

اول: سلطه طالبان بر افغانستان می‌تواند یک تهدید جدی برای امنیت ملی ایران باشد. ایدئولوژی طالبان برگرفته از مکتب وهابیت عربستان است که ماهیت ضد شیعی دارد و لذا ظهور مجدد طالبان می‌تواند؛ به عنوان یک چالش ایدئولوژیکی جدید در مرزهای ایران، موجب تقویت تحرکات فرقه‌گرایی و تجزیه‌طلبانه در ایران باشد.

دوم: سیاست فشار حداکثری ترامپ علیه ایران، موجب تقویت گرایش ایران به شرق، گسترش روابط با قدرت‌های بلوک شرق به‌ویژه چین و روسیه گردید. برخی از تحلیل‌گران معتقدند یکی از اهداف خروج آمریکا از افغانستان ایجاد چالش‌های امنیتی برای چین و روسیه و ایران است (رحیمی، ۱۳۹۳).

سوم: در دوره ترامپ، جبهه مشترک اسرائیل و عربستان علیه ایران شکل گرفت. در نتیجه، آمریکا، اسرائیل و عربستان همراه با کشورهای متحد عربش، همکاری‌های مشترک امنیتی و سیاسی را آغاز و هر اقدامی علیه ایران که در توان داشتند را علیه ایران انجام دادند که نابودی برجام تنها یکی از اقداماتشان بود. جبهه مشترکی عربی-عبری می‌تواند از طالبان به‌عنوان ابزاری علیه ایران استفاده کند که مورد خوشایند و حمایت آمریکا هم خواهد بود (غبار، ۱۳۹۹).

چهارم: بعد از حمله شوروی در اوائل ۱۹۸۰ صدها هزار افغانی به ایران پناهنده شدند. با حمله نظامی آمریکا به افغانستان، برشمار پناهندگان افغانی به ایران افزوده شد. متعاقب پیروزی‌های اخیر طالبان نیز ده‌ها هزار افغانی عازم مرزهای ایران شده‌اند. در حالی که ایران به خاطر سیاست فشار حداکثری ترامپ که در دوره بایدن هم ادامه دارد، همچنان با مشکلات بی‌سابقه اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند، افزایش پناهندگان افغانی می‌تواند مشکلات اقتصادی ایران را تشدید کند. این‌ها چند نمونه از تهدیدهایی است که سلطه طالبان بر افغانستان می‌تواند برای امنیت ملی ایران به ارمغان آورد (آقاجری و کریمی، ۱۳۹۴). در مجموع می‌توان جمع‌بندی ذیل را برای تهدیدهای سیاست خارجی ایران و افغانستان مطرح نمود:

- امنی و بی‌ثباتی: با تسلط طالبان بر افغانستان، ایران با یک هم‌سایه بی‌ثبات مواجه است که می‌تواند تأثیراتی بر امنیت مرزهای خود و وضعیت معیشتی ساکنان مرزی داشته باشد.

- مسئله مهاجرت: افزایش موج مهاجرت افغان‌ها به ایران می‌تواند فشارهای اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی به کشور وارد کند.

- گروه‌های تروریستی: وجود گروه‌های تروریستی و افراطی در افغانستان، همچون داعش، می‌تواند تهدیدی برای امنیت ملی ایران باشد و نیاز به پیگیری‌های امنیتی بیشتری دارد.

- توازن در روابط با بازیگران دیگر: ایران باید به دقت روابط خود با دیگر بازیگران منطقه‌ای و جهانی مانند آمریکا، چین و روسیه را مدیریت کند تا منافع خود را در افغانستان حفظ کند.



-مسائل قومی و مذهبی: تنوع قومی و مذهبی در افغانستان می‌تواند به ایجاد تنش‌های داخلی و همچنین تنش در روابط ایران با گروه‌های مختلف منجر شود.

فرصت‌های حکومت طالبان

اما پیروزی طالبان ظرفیت ایجاد فرصت برای ایران را دارد که چهار مورد آن به شرح است:

اول: ایران بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ مواضع سرسختانه ضدآمریکایی داشته و سعی می‌کند جبهه مقاومت علیه هژمونی آمریکا را در منطقه رهبری کند. محور اصلی شعارهای طالبان نیز ضد حضور و سلطه آمریکا در افغانستان و منطقه است. اگر طالبان در این مورد جدی باشد، ایران را یک متحد خود خواهد یافت. حماس نمونه‌ای است از یک جنبش سنی با روابطی گرم با کشورهای مصر و عربستان که هر دو با ایران قطع دیپلماتیک دارند. درعین حال حماس و ایران روابط گرم و فعال دارند چون درمقابله با امپریالیسم و صهیونیسم، دارای اهداف مشترک هستند.

دوم: ایران و افغانستان دارای اشتراکات فرهنگی و تاریخی و جغرافیایی عظیمی هستند ضمن اینکه زبان رسمی آن فارسی و بخشی از جمعیت این کشور نیز شیعه می‌باشند. طالبان همه افغانستان نیست و برای موفقیت در تشکیل یک حکومت پایدار و باثبات، نیازمند مشارکت و همکاری اقوام تاجیک و هزاره‌ها و ازبک‌هاست ضمن اینکه پشتون‌ها هم مواضع واحدی ندارند. لذا موفقیت طالبان در گروه استفاده از تمام اقوام و گروه‌ها و نقش داشتن آن‌ها در دولت و حاکمیت است که نیازمند همکاری و دوستی با تهران خواهد بود. هیئت بلندپایه طالبان قبل از تسخیر کامل افغانستان به تهران سفر و گفتگوهای محرمانه مهمی داشتند. محمد نعیم سخنگوی طالبان بعد از گفتگوها در تهران خبر از تفاهات با تهران را توییت کرد. عدم مقاومت رهبران تاجیک و شیعی و هزاره‌ها در مقابل پیشروی‌های طالبان هم قابل توجه است. ضمن اینکه در ۲۲ اوت، سخنگوی طالبان اعلام کرد که دنبال حکومت فراگیر با مشارکت همه گروه‌ها و روابطی خوب با همه کشورها هستند (فرزانه پور و یوسف زهی، ۱۳۹۶).

سوم: پیروزی طالبان در افغانستان به معنی شکست راهبردی آمریکا است. تحولات اخیر در افغانستان همه ضعف‌های آمریکا را برملا کرد. سقوط کابل در حقیقت تکرار سقوط سایگون در سال ۱۹۷۵ است که باید شکست‌های آمریکا در سایر جنگ‌های خاورمیانه مثل عراق و یمن و لیبی را به این لیست اضافه کرد. لذا گزافه‌گویی نخواهد بود اگر بگوییم که به پایان عصر سلطه آمریکا در منطقه رسیده‌ایم. این لحظه طلایی است که یکن، مسکو، تهران و گروه‌های محور مقاومت در چند دهه گذشته انتظار آن را می‌کشیده‌اند و لذا فرصتی است برای همکاری مشترک جهت پرکردن خلاء حضور آمریکا. ضمن اینکه پیروزی طالبان در افغانستان با پول عربستان و مدیریت سیستم امنیتی پاکستان صورت گرفت.

چهارم: تحولات جدید در افغانستان می‌تواند برای بهبود روابط ایران با عربستان و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس، نیز فرصت باشد. در چند ماه گذشته تهران و ریاض چند دورگفتگو در بغداد داشتند که نتیجه آن مثبت بود. ایرج مسجدی سفیر ایران در بغداد گفت که در چند دورگفتگو بین تهران و ریاض، مسائل دوجانبه و منطقه‌ای از جمله یمن گفتگو شد و ادامه این مذاکرات به بعد از انتخابات ریاست جمهوری ایران موکول شده است.



- سعودی‌ها برای گفتگوی با ایران، اولاً نگران بودند که ایران در منطقه دست بالا را دارد و دیگر اینکه اظهار می‌کردند که دولت روحانی اختیاری ندارد و مقام معظم رهبری و سپاه پاسداران، تصمیم‌گیرندگان اصلی هستند (نوریان، ۱۳۹۴). در مجموع میتوان جمع بندی ذیل را برای فرصت‌های سیاست خارجی ایران و افغانستان مطرح نمود:
- روابط اقتصادی: با توجه به موقعیت جغرافیایی، ایران می‌تواند از طریق ارتباطات اقتصادی و تجاری با افغانستان بهره‌برداری کند و در توسعه زیرساخت‌ها و پروژه‌های اقتصادی مشارکت کند.
 - تنش‌زدایی: ایران می‌تواند نقشی مثبت در کاهش تنش‌ها بین گروه‌های مختلف افغان و همچنین در فرآیند گفتگوهای صلح ایفا کند.
 - مدیریت مرزی: با همکاری نزدیک‌تر با طالبان و دولت جدید، ایران می‌تواند به مدیریت مرزهای خود و مقابله با قاچاق مواد مخدر و دیگر جرایم سازمان‌یافته کمک کند.
 - نفوذ سیاسی: ایران می‌تواند با تقویت روابط دیپلماتیک و فرهنگی، نفوذ سیاسی خود را در افغانستان گسترش دهد و خود را به عنوان یک بازیگر مؤثر در حل مسائل افغانستان معرفی کند.
 - همکاری‌های منطقه‌ای: ایران می‌تواند در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری‌های اسلامی و اجلاس‌های منطقه‌ای، همکاری‌های امنیتی و اقتصادی را تقویت کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کشور افغانستان به لحاظ تاریخی، فرهنگی و سرزمینی دارای اشتراکات بسیاری با کشور ایران است؛ اما به‌رغم این اشتراکات زیاد، چالش‌های گوناگونی در مسیر همگرایی این دو کشور وجود دارد. درک چالش‌های موجود در روابط دوجانبه این دو کشور هم‌جوار و حرکت در مسیر توسعه روابط براساس ظرفیت‌ها و نیازهای متقابل ژئوپلیتیکی از لوازم بهبود وضعیت کشور افغانستان و خروج آن از بی‌ثباتی و حرکت به سمت توسعه و در نتیجه تأمین امنیت مرزهای شرقی ایران و نیز توسعه مناطق شرق و جنوب شرقی ایران است. با روی کار آمدن طالبان، این سؤال به وجود آمد که رویکرد ایران در مقابل آن چگونه خواهد بود. برای این منظور، در این پژوهش ضمن بررسی میدانی از افغانستان، تحلیل‌هایی از وضعیت آن ارائه شد.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که مردم افغانستان در مقایسه با دولت قبلی از وضعیت جدید راضی هستند. در حال حاضر بزرگ‌ترین مشکل مردم اقتصاد و وضع معیشت است. همچنین در این پژوهش، وضعیت سیاسی موجود در افغانستان از منظر گوناگونی چون اختلافات داخلی در امارت اسلامی، رفتار و موضع دیگر اقوام و طالبان و انتخابات موردبررسی قرار گرفت. در نهایت با بررسی امکان تعامل‌پذیری طالبان، چگونگی تعامل مورد بحث قرار گرفت. سپس پیشنهادهایی به‌منظور تعامل بین امارت اسلامی افغانستان و جمهوری اسلامی ایران ارائه شد. از مجموع آنچه گفته شد، می‌توان چنین ارزیابی کرد که کشور ایران و افغانستان دارای مزیت‌های نسبی سرزمینی و انسانی برای یکدیگر هستند؛ اما عدم مدیریت درست این امتیازات و حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در افغانستان به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی این کشور و در نتیجه بروز تهدیداتی مانند تروریزم و افراط‌گرایی دینی و نیز بروز مسئله قاچاق و تهدید امنیت ملی ایران از داخل

کشور افغانستان، همچنین مسائل آب و تشدید اختلافات هیدروپلیتیکی و نیز مشکل آوارگان افغانی و عدم مدیریت درست آن از سوی دو کشور، مانع از ایجاد یک رابطه پایدار و مبتنی بر حسن همجواری بر محور واقعیت‌های ژئوپلیتیکی شده است. این امر از یکسو سبب تشدید فقر و عدم توسعه‌یافتگی در افغانستان و در نتیجه تشدید افراط‌گرایی، دخالت قدرت‌های بیگانه، افزایش قاچاق و تعداد مهاجران و در نتیجه ایجاد یکراند تصاعدی در مشکلات بین دو کشور شده است. این امر بر تداوم توسعه‌نیافتگی و بی‌ثباتی و ناامنی در افغانستان و توسعه‌نیافتگی در محور شرق و جنوب شرقی ایران و تهدیدات امنیت ملی برای ایران شده است. بنابراین به‌رغم بهره‌مندی ایران از موقعیت مناسب برای افغانستان، به دلیل حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای رقیب یا دشمن و با سطح نفوذ بالای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی و نظامی در افغانستان، ظرفیت‌ها و قوت‌های سرزمینی ایران در این رابطه با ناکارآمدی جدی مواجه شده است.

دولت ایران واقعیت ژئوپلیتیکی را درک کند که با وجود تنها عناصر مادی ژئوپلیتیکی و عوامل موجود در رابطه با اشتراکات فرهنگی و بدون در نظر گرفتن کنشگری فعال بازیگران عرصه سیاست خارجی، توان فرصت‌زایی و تقویت جایگاه ایران در کشور افغانستان و هر کشور دیگر را ندارد و یک دیپلماسی فعال، یک رابطه و رایزنی فرهنگی پویا، یک روابط اقتصاد راهبردی و هدفمند و نیز یک نگاه امنیتی هوشمندانه به محیط خارجی و کشورهای جهان به‌ویژه همسایگان است که می‌تواند سبب توفیق ایران در محیط خارجی و به‌عنوان مثال کشور افغانستان شود. کشور افغانستان نیز به یک دیپلماسی پویا در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و امنیتی با ایران نیاز دارد و هر دو کشور باید این واقعیت را درک کنند که امنیت و توسعه کشورهای همسایه یکی از تضمین‌های اصلی توسعه و امنیت در فضای ملی خودشان است. تأکید بر مناطق راهبردی ایران برای برون‌رفت افغانستان از قفل‌شدگی سرزمینی و نیز استفاده از فضای افغانستان برای تجارت ایران با چین و شرق آسیا و آسیای مرکزی و نیز توجه به بازار مصرف و سرمایه‌گذاری در افغانستان از طریق در پیش گرفتن یک دیپلماسی واقع‌گرایانه و پویا و هوشمند شرط بهره‌مندی دو کشور از تمامی مزیت‌های نسبی ژئوپلیتیکی یکدیگر است.

بر این اساس با توجه به مباحث مطروحه در این مطالعه پیشنهادات ذیل قابل طرح است:

۱. تقویت دیپلماسی چندجانبه

- مشارکت در مذاکرات منطقه‌ای: ایران به تقویت همکاری‌ها با کشورهای همسایه افغانستان و سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری اسلامی (OIC) و سازمان شانگهای بپردازد.

- توسعه کانال‌های دیپلماتیک: برقراری روابط دیپلماتیک با گروه‌های مختلف در افغانستان به ویژه گروه طالبان به منظور درک بهتر از وضعیت سیاسی و اجتماعی این کشور.

۲. همکاری اقتصادی

- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها: ایران می‌تواند در پروژه‌های عمرانی و زیرساختی در افغانستان، نظیر ساخت جاده‌ها، پل‌ها و نیروگاه‌ها، سرمایه‌گذاری کند.

- تجارت متقابل: تسهیل تجارت مرزی و ایجاد بازارهای مشترک می‌تواند به رشد اقتصادی هر دو کشور کمک کند.

۳. حمایت از جامعه مدنی



-پشتیبانی از پروژه‌های اجتماعی: حمایت از NGOها و گروه‌های فعال در زمینه بهداشت، آموزش و حقوق بشر در افغانستان.

-تقویت تبادل فرهنگی: برگزاری برنامه‌های فرهنگی مشترک برای تقویت روابط فرهنگی و اجتماعی دو کشور.

۴. مدیریت بحران مهاجرین

-برنامه‌های ادغام مهاجرین: ایجاد برنامه‌های مورد حمایت دولت برای کمک به مهاجرین افغان در ایران و تسهیل شرایط زندگی آن‌ها.

-همکاری با نهادهای بین‌المللی: همکاری با سازمان‌های بین‌المللی برای ارائه خدمات به مهاجرین و کاهش بار اقتصادی بر دوش ایران.

۵. مسأله امنیت

-تبادل اطلاعات امنیتی: برقراری توافق‌نامه‌های امنیتی با دولت افغانستان و همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر.

-تشکیل کارگروه‌های امنیتی: ایجاد کمیته‌های مشترک امنیتی برای نظارت بر مرزها و پیشگیری از تهدیدات مشترک.

۶. رویکرد فرهنگی و آموزشی

-ایجاد فرصت‌های تحصیلی: ارائه بورسیه‌های تحصیلی به دانش‌آموزان و دانشجویان افغان برای تحصیل در ایران.

-توسعه زبان و ادبیات فارسی: ترویج زبان و ادبیات فارسی در افغانستان به عنوان ابزاری برای تقویت ارتباطات فرهنگی.

۷. انعطاف‌پذیری در سیاست‌ها

-ارزیابی مستمر شرایط: به روزرسانی و ارزیابی مداوم سیاست‌ها براساس تحولات سیاسی و اجتماعی افغانستان.

-پیشگیری از انزوای دیپلماتیک: تلاش برای حفظ روابط مثبت با سایر کشورها و جلوگیری از انزوا در زمینه دیپلماسی.



منابع و مأخذ

- ۱) آقاجری، محمدجواد، کریمی، مرتضی (۱۳۹۴). نقش بازیگران منطقه‌ای در فرایند دولت سازی افغانستان در دوران طالبان و پسا طالبان. فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل، ۸ (۳۰)، ۵۷-۱۰۴.
 - ۲) بی‌نا (۱۳۸۷). استراتژی همکاری‌های منطقه‌ای - ۱۳۷۸-۱۳۹۲، کابل: دارالانشای استراتژی انکشاف ملی افغانستان.
 - ۳) داوودی، علی اصغر (۱۳۹۳). دیپلماسی علم و فناوری ایران در افغانستان، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۱.
 - ۴) داوودی، مائده، کیانی، داود، برزگر، کیهان (۱۴۰۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات افغانستان؛ مورد مطالعه: ظهور مجدد طالبان. مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۲ (۱)، ۱۲۹-۱۵۳.
 - ۵) رحیمی، حسین (۱۳۹۳). افغانستان و سازمان‌های همکاری منطقه‌ای، سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری‌های منطقه‌ای، زیر نظر: دکتور فرامرز تمنا، کابل: مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه.
 - ۶) رحیمی، سردار محمد (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک افغانستان در قرن بیستم، کابل: انتشارات سعید.
 - ۷) عظیمی، محمد عظیم (۱۳۹۱). مدخلی بر جغرافیای سیاسی افغانستان، کابل: انتشارات سعید.
 - ۸) غبار، میر غلام محمد (۱۳۹۹). افغانستان در میسر تاریخ، پیشاور: دارالسلام کتب خانه.
 - ۹) غیائی، انجینیر توریالی (۱۳۸۳). ما و جامعه مدنی، مشهد: کانون فرهنگی میهن.
 - ۱۰) فاطمی نژاد، سید احمد، محمدزاده، علیرضا (۱۳۹۷). بررسی جایگاه افغانستان جدید در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از آسیای مرکزی تا آسیای جنوبی. مطالعات اوراسیای مرکزی، ۱۱ (۲)، ۳۹۹-۴۱۶.
 - ۱۱) فرزانه پور، حسین، یوسف زهی، ناصر (۱۳۹۶). تأملی انتقادی به چالش‌های امنیتی روابط اقتصادی ایران و افغانستان. دوفصلنامه سیاست و روابط بین الملل، ۱ (۲).
 - ۱۲) کریمی فرد، حسین (۱۴۰۰). تبیین سیاست خارجی ایران در قبال طالبان (۱۹۹۶-۲۰۲۱). مطالعات خاورمیانه، ۲۸ (۳)، ۴۱-۶۰.
 - ۱۳) مرتضوی امامی زواره، سیدعلی (۱۳۹۸). واکاوی سیاست خارجی ایران در برابر افغانستان. مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی، ۵ (۱۲)، ۸۱-۱۰۶.
 - ۱۴) نوریان، سیدمحمدعلی (۱۳۹۴). ریشه‌ها و پیامدهای همسایگی با دولت‌های ورشکسته: افغانستان و شکست دولت - ملت سازی و صلح. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۱ (۳۱)، ۱۱۵-۱۳۶.
- 15) Akbarzadeh, S. (2014). Iran's Policy towards Afghanistan: In the Shadow of the United States. *Journal of Asian Security and International Affairs*, 1(1), 63-78.
 - 16) Al Jazeera. (2021, July 9). Taliban captures key Afghan border crossing with Iran: Officials. Taliban News | Al Jazeera. Retrieved May 2022.
 - 17) Aman, F. (2021). The Afghan refugee crisis: What does it mean for Iran? Middle East Institute. Retrieved May 2022.



- 18) Ameri, N. S. (2020). The “Afghan Drugs' 'Problem – A Challenge to Iran and International Security. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 1(2).
- 19) Amul, G. G., Ang, M., Kraybill, D., Ong, S., Yoong, J. (2021). Responses to COVID-19 in Southeast Asia: Diverse Paths and Ongoing Challenges. *Asian Economic Policy Review* , 17 , 90 - 110 .
- 20) Antonio, Giustozzi., Adam, Baczko. (2014). *The Politics of the Taliban's Shadow Judiciary*, 2003–2013.
- 21) Baczko, A. (2023). A revolution in the juridical field', The Taliban Courts in Afghanistan: Waging War by Law (Oxford, 2023; online edn, Oxford Academic, 14 Dec. 2023).
- 22) Brenner, Claire & Matthew Wallin (2021) Preparing for the Consequences of Withdrawal from Afghanistan, American Security Project.
- 23) Boukas, N., Ziakas, V. (2013). Impacts of the global economic crisis on Cyprus tourism and policy responses. *International Journal of Tourism Research* , 15 , 329-345 .
- 24) Choksy, J. K., & Choksy, C. E. B. (2021, September). No friend of Iran: Tehran's responses to the Taliban's return to ... Retrieved April 4, 2022.
- 25) Darley, W. K. (2012). Increasing Sub-Saharan Africa's Share of Foreign Direct Investment: Public Policy Challenges, Strategies, and Implications. *Journal of African Business* , 13 , 62 - 69 .
- 26) Durrani, A. (2022). Iran's Afghan policy after the U.S. withdrawal: Implications for Pakistan and the region. *Pakistan Institute for Peace Studies*. Retrieved 2022.
- 27) Feizi, H.(2018). Discourse, Affinity and Attraction: A Case Study of Iran's Soft Power Strategy in Afghanistan, *Graduate Theses and Dissertations*.
- 28) Faiz, M, Z. (2023). 2. The Conflicting Synthesis of the Taliban's Religious and Cultural Identity. *Review of Faith & International Affairs*.
- 29) Hassan Zaidi, S.M., Manzoor, A. , Alamgir A. (2022). IRAN'S PRAGMATIC ENGAGEMENT WITH THE TALIBAN AFTER THE U.S EXIT CHALLENGES AND DETERMINANTS, *Pakistan Journal of International Affairs*.
- 30) Herranz-Surrallés, A. (2014). The EU's Multilevel Parliamentary (Battle)Field: Inter-parliamentary Cooperation and Conflict in Foreign and Security Policy. *West European Politics* , 37 , 957 - 975 .
- 31) Hussain, M. (2023). Challenges and Opportunities to the Foreign Policy of Pakistan in the Contemporary Era. *Annals of Human and Social Sciences*.
- 32) Ignatiev, P. (2015). Afghanistan: Balancing between Pakistan and Iran . *Indian Journal of Asian Affairs*, 27-28(1-2), 43–62.
- 33) IntelBrief. (2022, May 4). Intelbrief: Border clashes mar the Taliban's regional relationships. The Soufan Center. Retrieved June 2022.
- 34) Ishchenko. N. S. (2022). 1. Ethno-Political Structure of Taliban-led Afghanistan. *Aziâ i Afrika segodnâ*.
- 35) Khajehpour, B. (2021). Iran-afghan trade has murky future under Taliban. *Al-Monitor*. Retrieved 2022.
- 36) Kuhrt, N. (2012). The Russian Far East in Russia's Asia Policy: Dual Integration or Double Periphery?. *Europe-Asia Studies* , 64 , 471 - 493 .
- 37) Laletin. Yu. P., (2024). Formation of the Political System of the Islamic Emirate of Afghanistan: Challenges and Limitations. *Aziâ i Afrika segodnâ*.
- 38) Lewis, D. (2018). Geopolitical Imaginaries in Russian Foreign Policy: The Evolution of 'Greater Eurasia'. *Europe-Asia Studies* , 70 , 1612 - 1637 .

- 39) Mace, M., Fyson, C., Schaeffer, M., Hare, W. (2021). Large-Scale Carbon Dioxide Removal to Meet the 1.5°C Limit: Key Governance Gaps, Challenges and Priority Responses. *Global Policy* .
- 40) Marjani, N. (2020). The US-taliban deal and its impact on Iran-Pakistan relations. The US-Taliban Deal and its Impact on Iran-Pakistan Relations. Retrieved August 29, 2022.
- 41) Mickler, D., Pijović, N. (2015). Engaging an Elephant in the Room? Locating Africa in Australian Foreign Policy. *Australian Journal of Politics and History* , 61 , 100-120 .
- 42) Michaud, J., Kates, J. (2013). Global health diplomacy: advancing foreign policy and global health interests. *Global Health, Science and Practice* , 1 , 24 - 28 .
- 43) Motamedi, M. (2021). Iran and Taliban forces clash in Border Area. Taliban News |Al Jazeera. Retrieved May 2022.
- 44) Rasanah Editorial Team. (2020). Trade between Iran and Afghanistan remains steady, despite US sanctions. International Institute for Iranian Studies. Retrieved May 2022.
- 45) Sawhney, A. (2019). Chabahar Port: Unlocking Afghanistan's Potential. Center for Strategic and International Studies. Retrieved 2022.
- 46) Tariq, Mumamad at al,(2020) US Withdrawal from Afghanistan: Latest Development and Security Situation (2020),SJESR JURNAL, Vol 3 No 2: April - June (Spring)
- 47) JAMES DOBBINS, JASON H. CAMPBELL, SEAN MANN and LAUREL E. MILLER , (2019) Consequences of a Precipitous U.S. Withdrawal from Afghanistan, RAND Corporation.

